Journal of Legal Philosophy Studies
Volum 1, Consecutive Number 1, 2025
Journal Homepage: https://philosophylawjournal.ir/
This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



The Taste and Purpose of the Sharia in the Decrees Related to Divorce

Mahmood Akbari[1*], Ahmad Ommi[2], Sajjad Hamidvand[3]

1. The Responsible Author and Assistant Professor of The Department of Law, Ayatollah Boroujrdi University, Boroujrd, Iran. m.akbari@abru.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Private Law, Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.
3. Graduated from Master's degree, Figh and Fundamentals of Islamic Law, Ayatollah Boroujrdi University, Boroujrd, Iran.

Abstract

The religion of Mobin Islam has a lot of emphasis on the formation of the sacred institution of the family and the regulation of the relationships of the family members and on the other hand to prevent its collapse. Therefore, the Shariah taste in the field of divorce is a recommendation to continue life and avoid divorce .The purpose of this research is to investigate the taste and purpose of Sharia in the decrees related to divorce, the research method is descriptive-analytical and information was collected using the library method. The important topics of family law are discussed in the jurisprudential discussions of divorce, which are divided into several categories, and this division is exactly repeated in the civil laws. The taste and purpose of the Sharia is based on the decrees related to divorce, that although divorce is halal, it is known as an abominable thing. The traditions show that divorce is abominable and condemned in the eyes of God. If there were not many hadiths about the permissibility of divorce, some of these hadiths would have even used the sanctity of divorce. Anyway, what comes to mind from the spirit of these traditions is the prohibition and opposition to divorce. In other words, divorce should not take place as far as possible. However, if necessary and there is difficulty and embarrassment in married life, the ruler can issue a decree of divorce. Therefore, when family problems arise, the first step is compromise between the spouses, because the taste of Sharia is compatible with compromise and understanding. and in the second step, if no compromise is reached between the parties, the issue of divorce is raised, therefore it is permissible to try not to divorce as long as there is a possibility of compromise.

Keywords: Taste and Purpose of Sharia, Divorce, Philosophy of Judgment

- Akbari, M., Ommi, H., Hamidvand, S. (2025). The Taste and Purpose of the Sharia in the Decrees Related to Divorce, *Journal of Legal Philosophy Studies*, 1(1), 1-22.

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

مجله مطالعات فلسفه حقوق

مجله مطالعات فلسفه حقوق

دورۀ اول ـ شمارۀ اول ـ ۱۴۰۴

صفحات ۱-۲۲ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: دریافت ۱۴۰۳/۰۹/۰۷ـ پذیرش ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ ـ انتشار ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

مذاق و مقصد شریعت در احکام مربوط به طلاق

محمود اکبری[۱*]، احمد امی[۲]، سجاد حمیدوند[۳]

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران. m.akbari@abru.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

۳. دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.

چکیده

دین مبین اسلام در مورد تشکیل نهاد مقدس خانواده و تنظیم روابط اعضای خانواده و از طرف دیگر جلوگیری از فروپاشی آن تأکیدات فراوانی دارد، به همین جهت مذاق شارع در زمینه طلاق، توصیه به تداوم زندگی و اجتناب از طلاق است. هدف تحقیق بررسی مذاق و مقصد شریعت در احکام مربوط به طلاق است که با روش توصیفی ـ تحلیلی انجام گردید. نتایج نشان داده است که مذاق و مقصد شریعت در احکام مربوط به طلاق بر این مبنا قرار گرفته است که طلاق اگر چه حلال است ولی به‌عنوان امر مبغوض شناخته شده است. به هر حال آنچه که از روح این روایات به ذهن متبادر می‌شود ممانعت و مخالفت با طلاق است. به عبارت دیگر تا جایی که امکان دارد نباید طلاق جاری شود. اما در صورت لزوم و وجود عسر و حرج در زندگی زناشویی، حاکم می‌تواند حکم طلاق را صادر کند. بنابراین در زمان بروز مشکلات خانوادگی، اولین گام سازش بین زوجین است چون مذاق شریعت با سازش و تفاهم سازگار است و در گام دوم و در صورت به نتیجه نرسیدن سازش بین طرفین، مسأله طلاق مطرح می‌شود به همین جهت سعی شارع بر این است که تا زمانی که امکان سازش وجود دارد طلاق صورت نگیرد.

کلیدواژه: مذاق و مقصد شریعت، طلاق، فلسفه حکم

- اکبری، محمود؛ امی، احمد؛ حمیدوند، سجاد. (۱۴۰۴). مذاق و مقصد شریعت در احکام مربوط به طلاق، مجله مطالعات فلسفه حقوق، ۱(۱)، صفحات ۱-۲۲.

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

مقدمه

دستیابی به مذاق شرع بیش از هر چیز به تمرین و تسلط کافی بر مبانی و احکام شریعت نیاز دارد؛ به‌خصوص اینکه در فقه اسلامی احکام در قالب آیات و روایات، اجماعات و قضاوت‌ها با بیان‌های مختلف آمده است، مهم‌تر اینکه زبان شریعت، زبان قوانین نیست یعنی به شکل دستور وماده قانونی نیامده، بلکه درجریان رخدادهای پیش آمده محاوره و گفت‌وگو، سؤال و جواب، تبلیغ و تربیت و اخلاق و حقوق، خداشناسی و معادگرایی در هم آمیخته است. درواقع احکام اسلامی برگرفته از آیات قرآنی، روایات و سنت است که از ترکیب این سه منبع می‌تواند دستورات دقیق استخراج کرد. به همین خاطر ادعای مذاق شریعت بیش از همه چیز به ممارست و عجین شدن با معارف و حوزه‌های مختلف شریعت نیاز دارد. با این حال می‌توان از مواردی که از آن به مذاق شریعت تشبیه شده است، نکاتی برداشت کرد. این موارد در حقیقت گزارشی است از آنچه در کلمات فقیهان آمده است.

از جهتی نیز، قانونگذار سعی کرده است با تشویق زوجین به ادامه زندگی و نادیده انگاشتن اختلافات جزئی، مانع طلاق شود. گر چه قانون‌گذار، اختیار طلاق را با مرد می‌داند ولی به این معنا نیست که او حق زندگی زناشویی را با هر شیوه نامناسبی در پیش گیرد و زن مجبور به تحمل باشد، لذا لازم است که زنان با اختیاراتی که در فقه برای احقاق حقشان پیش‌بینی شده است، آگاه باشند تا بدین طریق جلوی سوء استفاده مردان گرفته شود. در این راستا، قانونگذار سعی کرده است در چند سال گذشته همسر (زوجه) آسان‌تر از گذشته طلاق بگیرد و به طور قراردادی، شرایطی فراهم شده است که زوج به همسرش وکالت در طلاق بدهد و این امر جریان طلاق را تسریع می‌بخشد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۳). همیشه این ایراد بوده و هست اگر ازدواج یک عقد و تأسیس حقوقی دو جانبه است (صانعی، ۱۳۸۶: ۱۳۸). چرا مرد از اختیار بی‌قید در گسستن چنین رابطهٔ دوجانبه برخوردار باشد و چرا زن از چنین اختیاری برخوردار نباشد؟ در این زمینه غزالی می‌گوید: در صورتی مرد می‌تواند زن خود را طلاق دهد که موجب آزار ناروا نباشد و آزار نیز در صورت وقوع جنایت روا است و یا اینکه ضروری باشد یوسف القرضاوی از علمای اهل سنت نیز بر این عقیده است (القرضاوی، ۱۴۰۹: ۳۲۰). لیکن غالب فقها به استناد آیه اول سوره طلاق و روایت مشهور« طلاق به دست کسی است که عقد به دست اوست» و نیز

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

سیره مسلمانان، حکم به جواز طلاق داده‌اند و صرفاً طلاق غیرموجه را مکروه و مبغوض دانسته‌اند (عابدینی و امینی، ۱۴۰۰: ۲۲۰).

در حالی که اسلام طلاق را عملی بسیار مبغوض و منفور معرفی کرده است، برخی از فقها از جمله امامیه و ظاهریه، اراده معنای طلاق را نیز شرط لازم برای وقوع طلاق دانسته و اصل تقسیم‌بندی طلاق به صریح و کنایه را مردود می‌دانند. همچنین در زمینه وقوع یا عدم وقوع برخی مصادیق طلاق بین علما اختلاف نظر وجود دارد (مرتضوی، ۱۳۹۷: ۱۲). بنابراین، از آنجایی که نگرش‌های مذهبی در میزان طلاق تأثیر به‌سزایی دارد و همچنین قوانینی که نشأت گرفته از مذهب هستند می‌تواند موجب گرایش زوجین به طلاق شود و یا مانع افزایش طلاق در جامعه گردد، لازم است در این زمینه تحقیق جامعی انجام شود تا از طرف هدف و مقصد شریعت از احکام مربوط به طلاق مشخص گردد و از طرف دیگر ماهیت طلاق در قوانین و شریعت روشن شود. به‌علاوه، اگرچه در زمینه طلاق تاکنون چندین تحقیق انجام شده است اما درخصوص مذاق و مقصد شریعت در احکام مربوط به طلاق کمتر بحث و بررسی شده است و این تحقیق از این جهت، پژوهشی نو محسوب می‌شود، که اهمیت و ضرورت پژوهش را دوچندان می‌کند. درواقع، اگرچه پژوهش‌های مختلفی در زمینه طلاق صورت گرفته اما به مذاق و مقصد شریعت در احکام مربوط به طلاق آن‌گونه که باید پرداخته نشده و بیشتر به راهکارهای فقهی کاهش طلاق (ظهوریان و احمدی، ۱۳۹۴)، تحلیل فتاوای فقها در طلاق واجب (معیرمحمدی، ۱۳۹۳)، بررسی طلاق در مذاهب و ادیان الهی (حیدری تیاشکاری، ۱۳۹۵)، بررسی احکام، ماهیت و آثار طلاق به عوض از منظر فقه امامیه، عامه و حقوق ایران (عبدلی، ۱۳۹۶)، چرایی حق طلاق مردان در اسلام (مژده، ۱۳۹۸) و قوانین دین، حقوق خانواده و حقوق بشر زنان (شن‌هاو، ۱۳۹۹) پرداخته‌اند. در این راستا، هدف کلی پژوهش، بررسی مذاق و مقصد شریعت در احکام مربوط به طلاق می‌باشد که در ابعاد بررسی اهداف احکام شرعی در زمینه طلاق؛ بررسی حق طلاق مردان در احکام شرعی و با این فرض کلی که مذاق و مقصد شریعت در احکام مربوط به طلاق بر این مبنا قرار گرفته است که طلاق اگرچه حلال است ولی به‌عنوان امر مبغوض شناخته شده است؛ مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی و از نظر هدف، بنیادی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، توصیفی و مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای است که از منابع مدون مشتمل بر مجموعه قوانین ایران، کتب، رساله‌ها،

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

مقالات، جزوات و سایت‌ها و استفاده از منابع اینترنتی و تجزیه و تحلیل نظرات صاحبان اندیشه استفاده شد.

معنای لغوی طلاق

طلاق در لغت در معانی متعدد از قبیل، رهایی، آزاد کردن، ترک کردن، واگذشتن، گشودن گره به کار رفته است. از طلاق در اصطلاح فقها و حقوقدانان نیز تعاریف متفاوتی به عمل آمده است. در اصطلاح شرعی، طلاق عبارت است از: «ازاله قیدالنکاح بصیغه مخصوصه »یعنی: طلاق زایل نمودن قید و پیوند نکاح است با صیغه مخصوص. آوردن کلمه صیغه مخصوصه برای تمیز طلاق ازفسخ است؛ چون در فسخ نیازی به صیغه مخصوص نیست. طلاق که در اصل اطلاق است به معنای گشودن گره و رها کردن است. همچنین طلاق از نظر لغوی در معنای ترک کردن نیز آمده است (حمیری، ۱۴۲۰: ۴۱۴). درواقع، طلاق مصدر است و به معنی رها شدن آمده و در اصطلاح عبارت از پایان دادن زناشوئی به‌وسیله یکی از زن یا شوهر است. به دیگر بیان معنای اصطلاحی طلاق نیز با معنای لغوی آن متناسب و به معنای جدا شدن زن از قید نکاح و فسخ کردن عقد نکاح است؛ همچنین در برخی منابع، طلاق عبارت است از انحلال نکاح دائم با شرایط و تشریفات خاص از جانب زوج یا نماینده قانونی (صفایی و امامی، ۱۳۸۲: ۲۵۹).

معنای اصطلاحی طلاق

برخی از حقوقدانان طلاق را ایقاعی تشریفاتی دانسته‌اند که به موجب آن مرد، به اذن یا حکم دادگاه، زنی را که به‌طور دائم در قید زوجیت اوست رها می‌سازد (امامی و صفایی، ۱۳۸۴: ۱۹۳). سید مصطفی محقق داماد نیز آورده است: «طلاق عبارت است از انحلال عقد نکاح دایم» (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۳۷۹). واژه طلاق در اصطلاح شرعی عبارتست از «ازاله قید نکاح بدون عوض با صیغه طلاق و شبهه آن (نجفی، ۱۳۷۵: ۲). طلاق عبارت است از انحلال نکاح دائم با شرایط و تشریفات خاص از جانب زوج یا نماینده قانونی (اسدی، ۱۳۸۱: ۵۶). بنابراین طلاق به معنای جدایی، مرسوم‌ترین شکل جدایی از زندگی زناشویی است. البته در قوانین امکان فسخ نکاح نیز وجود دارد که با طلاق متفاوت است.

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

مبحث طلاق در فقه امامیه

۱. گفتار اول: آیات مرتبط با طلاق

۱-۱. بنداول: آیات

در قران کریم در چندین آیه به موضوع طلاق اشاره شده است و تا حدودی احکام طلاق را مشخص کرده است:

۱. ای پیامبر، هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عده طلاق گویید (زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند) و حساب عده را نگه دارید، و از خدایی که پروردگار شما است بپرهیزید، نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید، و نه آنها (در دوران عده) بیرون روند، مگر اینکه کار زشت آشکاری انجام دهند، این حدود الهی است، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده، تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه و وسیله اصلاحی فراهم کند (طلاق/آیه ۱). در این آیه به مخاطبانِ نگهداری حساب عده ... که مردان هستند نه زنان ... اشاره شده است، زیرا وظیفهٔ پرداخت نفقه و تهیهٔ مسکن برای زوجهٔ مطلقه با آنهاست و همچنین حق رجوع برای آنها وجود دارد.

۲. طلاق، (طلاقی که رجوع و بازگشت دارد،) دو مرتبه است، (و در هر مرتبه،) باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده‌اید، پس بگیرید» (بقره/ ۲۲۹). در این آیه علاوه بر طلاق رجعی که از سوی مرد است، طرح طلاق خُلع که پیشنهاد طلاق از سوی زن است نیز ارائه شده است. به این معنا که زن، مهریه خود یا چیز دیگری را فدای آزادسازی خود قرار دهد و طلاق بگیرد. در طلاق رجعی اول و دوم شوهر می‌تواند در عدّه بدون عقد و پس از عده با عقد مجدد به زن رجوع کند؛ ولی برخلاف سنّت رایج در جاهلیت پیش از اسلام در طلاق سوم که بائن است، شوهر حق رجوع ندارد. امساک و تسریح شوهر درباره همسرش باید به معروف و احسان باشد.

۳. اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود، مگر اینکه همسر دیگری انتخاب کند (و با او زناشویی نماید. در این صورت اگر (همسر دوم) او را طلاق گفت، گناهی ندارد که بازگشت کنند، (و با همسر اول، دوباره ازدواج نماید) (بقره/۲۳۰).

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

۴. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه زن‌های مؤمن را به همسری خود درآوردید سپس آنها را پیش از آنکه با آنان آمیزش کنید طلاق دادید، پس شما را بر عهده آنها عدّه‌ای نیست که شمار (روزهای) آن را نگاه دارید پس آنها را (به دادن نصف مهر در صورت تعیین مهریه و به دادن مبلغی درخور شأن آنها در صورت عدم تعیین مهریه) برخوردار نمایید و آنها را به بهترین شیوه رها سازید (احزاب/۴۹).

در اینجا خداوند استثنایی برای حکم عده زنان مطلقه بیان فرموده که اگر طلاق قبل از دخول واقع شود نگاه داشتن عده لازم نیست و از این تعبیر به دست می‌آید که قبل از این آیه حکم عده بیان شده بوده است. تعبیر به «مؤمنات» دلیل بر این نیست که ازدواج با غیر زنان مسلمان به کلی ممنوع است، بلکه ممکن است اشاره به اولویت آنها بوده باشد، بنابراین با روایت و فتاوای مشهور فقها که ازدواج موقت با زنان کتابیه را مجاز می‌شمرد منافاتی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴:۱۷/۳۷۱).

۵. چون زن‌ها را طلاق دادید و به انتهای عدّه خود نزدیک شدند، پس (یا دوباره رجوع کنید و) آنها را به خوبی و خوشی نگه دارید و یا (به ترک رجوع) به خوبی و خوشی رها سازید و هرگز آنان را برای آزار و زیان نگه ندارید تا به آنها تعدی و ستم روا دارید و هر که چنین کند پس حتما به خویشتن ستم کرده و آیات خدا را به مسخره نگیرید و نعمت (بی‌حدّ) خدا را بر خودتان و آنچه را که بر شما از کتاب و حکمت (احکام شرعی و معارف عقلی) فرو فرستاده که شما را بدان پند می‌دهد به یاد آرید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به همه چیز داناست (بقره/۲۳۱)؛ باز هم محدودیت‌های دیگر طلاق به دنبال آیات گذشته، این آیه نیز اشاره به محدودیت‌های دیگری در امر طلاق می‌کند تا از نادیده گرفتن حقوق زن جلوگیری کند. می‌تواند اشاره به کارهای خلاف عصر جاهلیت باشد که رسوبات آن در افکار مانده بود.

۶. اگر تصمیم به طلاق گرفتید خدا شنوا و داناست (بقره/۲۲۷). با توجه به آیات مذکور، در قرآن آیه‌ای وجود ندارد که در مقام تبیین حق طلاق باشد و بخواهد آن را برای یکی از زوجین اثبات کند، بلکه با مفروض دانستن وجود زمام طلاق در دست مرد و سلطهٔ او بر زن، قرآن دربارهٔ روش‌های موجود و برای رعایت حقوق زن رهنمودها و دستورات اصلاحی داده است.

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

۱-۲. بنددوم: روایات

در زمینه طلاق روایات زیادی در منابع فقهی در زمینه‌های طلاق با دلیل، داشتن حق طلاق و ... نقل شده است که به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه و آله فرمودند: «طلاق به دست مرد است[۱]. (اعطای حق طلاق به زوجه). در کتب اهل سنت، کتاب سنن ابن ماجه در باب طلاق عبد مطرح شده است و لقب مقبولهٔ نبوی نیز گرفته است. در آنجا از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: طلاق در اختیار کسی است که ساق را در اختیار دارد. کنایه از شوهر است که حق تمتع از زن را داراست (قزوینی، بی‌تا: ۳۷۱/۱). از نظر شهید ثانی مقتضای این روایت این است که طلاق صحیح و معتبر منحصراً در دست مرد است که وصف فوق را دارد و مالك بضع است (محقق داماد، ۱۳۷۶: ۷). همچنین، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «زنان را طلاق ندهید مگر از روی دلیل محکم»[۲] (متقی هندی، ۶۶۲/۹:۱۴۰۱). دست برداشتن از اصل لزوم عقد و اعتقاد بر جواز طلاق ولو به علت‌های ناموجه نیاز به دلایل کافی دارد که در دست نیست و با اصول مسلم و شناخته‌شده و شرعی منافات دارد.

۲. گفتار دوم: مقاصد شریعت

مقاصد شریعت در نفی اعتبار برخی از روایات، مغایر با مقاصد مورد استناد فقیه قرار می‌گیرد و همچنین دلیل متضمن مقاصد از ظهور اطلاق یا عموم دلیل متضمن حکم جلوگیری می‌کند (نقیبی، ۱۳۹۶: ۲۳۸). مقاصد شریعت، غایت و اسراری است که شارع به هنگام وضع هر حکمی از احکامش، در نظر داشته است. مقاصد شریعت؛ همان غایتی است که شارع به آنها شوق و محبت دارد و برای تحقق آنها در جهت مصالح مردم احکامی را وضع کرده است و به عبارت دیگر، هدف‌هایی است که در جعل احکام گنجانده شده است. منظور ما از مقاصد الشریعه مقاصد الشریعه در نزد اهل سنت نیست که در ما لانص فیه باشد و شبیه قیاس باطل شود. بلکه در گفتمان شیعه است و بیشتر در نصوص است و منظور این است که از طریق دلالت‌های مختلف مطابقی تضمنی التزامی در احکام مختلف، روح شریعت و مذاق شریعت به دست آورده شود و

---

۱. الطلاق بید من اخذ بالساق

۲. لاتطلقوا النساء الا من ریبه

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

این روح شریعت مذاق شریعت ما را در استنباط احکام دیگر کمک می‌کند (گرامی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۵).

در فلسفه علم فقه، از اهداف «شریعت» بحث می‌شود و هریک از فتاوای فقیه با این مقاصد محک زده می‌شود؛ به این گونه که اهداف و مقاصد شریعت را در هر مسأله‌ای باید مد نظر داشت. به هر حال لازم است اصل «هماهنگی با اهداف و مقاصد دین و روح شریعت» به مثابهٔ اصلی از اصول استنباط، مورد توجّه قرار گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۵۹).

برخی عالمان اهل سنت همچون نورالدین خادمی و احمد ایسونی و محمد یوبی خواسته‌اند از طریق فهم مقاصد شریعت در سطوح مختلف خرد و کلان، ضمن فهم شریعت و نظام آن به استنباط احکام در موضوعات جدید و بازنگری در احکام موجود بپردازند. اولین اثر در این باره از شاطبی در کتاب الموافقات فی اصول الشریعة است. اگرچه طراحان نظریهٔ مقاصد شریعت، در بارهٔ مقصد شریعت تعریف واحدی ارائه نمی‌دهند، ولی همگان بر این مطلب تأکید می‌ورزند که منظور از مقصد، غایات و حکمت‌هایی است که شارع برای مصلحت بندگان در قواعد و قانونگذاری خود ملاحظه و مراعات کرده است. این نظریه برخلاف دیگر نظریه‌های مبتنی بر تحلیل نص، بر غایت و اهداف احکام الهی تکیه دارد و تلاش می‌کند از طریق آیات و روایات ابتدا به غایت دست یابد سپس احکام را استخراج نماید. آنچه در این دیدگاه مهم است، یکی استخراج مقاصد است و دیگری به‌کارگیری آن به‌عنوان ضابطهٔ استنباط حکم است. نظریهٔ مقاصد در استنباط مقاصد از روش‌های مختلف استفاده می‌کند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵: ۸۹).

در فقه اهل سنت شاطبی (د ۷۵۰ق) نخستین کسی است که به طرح تفصیلی مقاصد در کتاب «الموافقات فی اصول الشریعه» پرداخت و یک جلد از آن را با عنوان «کتاب المقاصد» به این موضوع اختصاص داد. وی پس از گردآوری سخن گذشتگان، به دو مسأله جدید در حوزه مقاصد پرداخت. یکی دسته‌بندی مقاصد و دیگری راه‌های دستیابی به مقاصد فقه. به حق می‌توان گفت که کتاب شاطبی نقطه عطفی در پژوهش‌های پیرامون مقاصد است. نکته قابل توجه این است که شاطبی، علت را به مصلحت و مفسده تفسیر می‌کند و این از آن روست که وی به مقاصد احکام توجه تام دارد و اصطلاح «تعلیل» یعنی تعلیل احکام شریعت به جلب مصلحت و دفع مفسده، از همین

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

جا ناشی می‌شود. وی در جایی دیگر از واژۀ « تقصید» به جای تعلیل هم بهره گرفته است (شاطبی، بی‌تا: ۴۲۴).

اگر مقاصد شریعت به شیوه‌های معتبر شرعی کشف واثبات شوند می‌توانند به‌عنوان اصول و کلیات شریعت در کنار سایر ادله شرعی در استنباط احکام مؤثر باشند به همین جهت حجیت مقاصد وابسته به حجیت راههای کشف آن است، یعنی اگر طرق کشف آنها معتبر و شرعی باشند، این مقاصد معتبرند، و گرنه فاقد اعتبار شرعی می‌باشند. مهمترین طرقی که برای کشف و اثبات مقاصد شریعت ذکر شده عبارتند از: استقراء، عقل، تعلیل اوامر، و نواهی و نص خاص، استقرا در نصوص در صورتی می‌تواند کاشف از مقاصد شریعت باشدکه قطع‌آور بوده و ضوابط شرعی در آن رعایت شده باشد (قراملکی، ۹:۱۳۹۳). فقهای امامیه معتقدند که اگر تشخیص مصلحت به صورت قطعی باشد و مجتهد یقین کامل بدان داشته باشد، می‌توان به آن عمل کرده و براساس اصل «ملازمۀ بین حکم قطعی عقل و حکم شرع» فتوا به آن بدهد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۴۲).

۳. گفتار سوم: مصالح حکم

در قدیمی‌ترین متون فقهی و درمیان فقهاء متقدم ومتاخر، همواره بحث مصلحت درحوزه تفقه و فقاهت مطرح بوده و هست. تاثیر مصلحت در استنباط و امتثال احکام شرعی و نقش محوری آن به‌عنوان پشتوانه احکام شرعی ازجمله مسائلی هستندکه بین فقهاء اسلام مورد عنایت و محل بحث و نزاع بوده و این خود بیانگر اهمیت جایگاه مصلحت در فقه اسلامی می‌باشد. درواقع احکام شرعی که از جانب شارع مقدس جعل می‌شوند براساس مصالح و مفاسد نفس الامریه‌ای است که این مصالح و مفاسد جزء علل تشریع احکام الهی محسوب می‌شوند. معتزله و امامیه بر این باورند که احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد واقعی می‌باشند و آنچه شارع مقدس جائز دانسته حتماً در ورای آن مصلحتی نهفته ولو اینکه عقول بشری از درک آن عاجز باشد و آنچه از آن نهی کرده به خاطر مفسده‌ای بوده که در منهی‌عنه وجود داشته است. در زمینه تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد، برخی معتقدند که مصلحت در نفس الحکم وجود دارد و برخی دیگر آن را در متعلق حکم می‌دانند مصلحت گاهی بعنوان قید متعلق احکام شرعی بیان می‌شودکه فقهاء فریقین چنین جایگاهی را برای مصلحت قائلند و در فروع مختلف فقهی بدان اشاره کرده‌اند. مسلماً

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

چنین مصلحتی بدون قید و شرط نمی‌باشد بلکه باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد این ویژگی‌ها توسط ادله نقلی و عقلی بیان شده و لازم‌الرعایه می‌باشند (رهبر، ۱۳۸۸: ۲۳).

به یک تعبیر می‌توان گفت مصلحت به معای تطبیق احکام با شرایط زمانی ومکانی است که هر مجتهدی باید براساس این شرایط فتوا صادر کند.

٤. گفتار چهارم: مذاق و روح حکم

یکی از طرقی که عقل می‌تواند با رجوع به ادله نقلیه به کشف احکام شرعی بپردازد، مسأله کشف مذاق شارع است. اگر فقیه بتواند با تدبر و تأملی که در منابع شرعی دارد و تجربه‌ای که در طول سالیان متمادی کسب نموده است، مذاق شارع را درک نماید می‌تواند با اساساً آن به استنباط احکامی که در شرع بیان نشده بپردازد. مذاق به دو معنا به کار می‌رود: یکی به معنای شیوه و روش و دیگری به معنای غرض و غایت است (بای، ۱۳۹۴:۱/۳۵). محقق خویی مذاق را در مقید کردن عموم ادلهٔ ملفوظ و غیرملفوظ نیز کارا می‌داند؛ مذاق شریعت یکی از راههای فرعی است که در طول ادله می‌توان از آن به ارادهٔ تشریعی شارع دست یافت. علاوه بر این مذاق شریعت در شناخت مفاهیم و موضوعات و رفع تزاحمات میان احکام کاربرد دارد. اگرچه فقیهان راههای متفاوتی را برای دستیابی به مذاق ذکر کرده‌اند، ولی مذاق شریعت در قالب یک نظریه عرضه نشده است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۶). لذا، مذاق معمولاً در جایی مورد استناد فقیهان قرار گرفته است که امکان استناد فقیه به یک دلیل شناخته شده فقهی دیگر وجود داشته است.

مقاصد شریعت در زمینه طلاق

مقصد شریعت به نوعی دستیابی به مقصد شارع در وضع احکام دینی است. مقصد شریعت را می‌توان از چارچوب کلی دین برداشت کرد. این چارچوب می‌تواند در همه احکام مانند طلاق به کار گرفته شود. دین مبین اسلام در مورد تشکیل نهاد مقدس خانواده و تنظیم روابط اعضای خانواده و از طرف دیگر جلوگیری از فروپاشی آن، تأکیدات فراوانی دارد. بررسی آیات و روایات در حوزه خانواده نشان می‌دهد استحکام بنیان خانواده به علت کارکردهای مهم آن، مد نظر شارع مقدس می‌باشد. این آیات و روایات از یک طرف تشویق و ترغیب به ازدواج و تشکیل خانواده می‌کند و از طرف دیگر با موارد

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

انحلال نکاح ازجمله طلاق به شکل سخت‌گیرانه برخورد می‌کند (شوشتری و نجفیان، ۱۳۹۷: ۲۰۴). نظریهٔ مقاصد در استنباط مقاصد از روش‌های مختلف استفاده می‌کند. یکی از محققان این حوزه، راههای زیر را برای تحصیل مقصد بیان می‌دارد:

۱. دستیابی مستقیم از کتاب و سنت به مقصد. در بسیاری از آیات قرآن مقصد و حکمت حکم بیان شده است. مثلاً رفع حرج یکی از مقاصد است که در آیهٔ «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج/ ۷۸) آمده است.

۲. با دستیابی به مقصد اعلی و اصلی، مقصد رتبهٔ بعد استخراج شود. مثلاً مقصد اصلی ازدواج تناسل و ابقای نسل است. حال برای تقویت و استحکام این مقصد اصلی مقاصد فرعی دیگر در نظر گرفته شده است، مثل بهره‌گیری و لذت جنسی، دوستی اولاد و آرامش. بنابراین مقصد اصلی ازدواج که بقای نسل است متضمن مقاصد فرعی دیگری است که آن مقصد اصلی را تقویت می کند و برای نیل به مقصد فرعی و اصلی احکامی اعتبار شده است.

۳. راه سوم دستیابی به مقاصد، استقرا و بررسی احکام جزئی است که از آنها حکمت واحدی به دست می آید(حکمت‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۴). مقصد شارع از وجوب رفع دعوا به وسیله حاکم و اجازه بر اجرای قصاص به وسیله او، آن است که دفع فساد و اختلال از حکومت اسلامی بشود. لذا برخی فقها گفته اند: اگر ولی مقتول تواند بدون ترتب هیچ مفسده‌ای، قاتل را بکشد این کار بر او جایز است(گلپایگانی،۱۴۱۳:۹۸/۲)، که این مطلب توجه حکومت به اهداف شریعت را نشان می دهد. مقاصد شریعت می‌تواند به حاکم یاری رساند تا از نصوص، تفسیری ارائه دهد که مطابق با آرمان‌های کلی شارع باشد و حکومت را از جمود در امان نگهدارد. به عبارت دیگر، حاکم مجتهد باید در خودِ نصوص نیز به اجتهاد بپردازد و تنها به الفاظ تکیه نکند. مرحوم نجفی در کتاب جواهر الکلام در عبارتی اقسام طلاق از قبیل واجب، مستحب و مکروه رابیان می کند. ایشان طلاق ظهار و ایلاء را از اقسام طلاق واجب و در صورت شقاق و عدم عفت، طلاق را مستحب می‌داند. مرحوم فیض کاشانی در عبارتی، طلاق مستحب را بیشتر توضیح می‌دهد. ایشان در کتاب مفاتیح الشرایع پیرامون شقاق و عدم عفت این گونه می گوید که اگر امید به بازگشت زن نیست و متارکه به حدّی رسیده که امید سازگاری وجود ندارد، یا اگر زن اهل پرهیز و خودداری نیست به گونه‌ای که مرد می‌ترسد آن زن خیانت کند، طلاق مستحب است (گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۲۰۵/۲).

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

نتیجه نگاه نظام‌مند به اهداف و مقاصد شریعت در حوزه خانواده در به کار بستن مقاصد شریعت در امر استنباط بر اساس این فهم است و ریشه بسیاری از مسائل مربوط به خانواده، غفلت از مقاصد شریعت و توجه به جزئیات به جای نگاه نظام مندکلی است طوری که در مواردی جزئیات شریعت وسیله جنگ با کلیات می‌گردد. لذا اگر احکام شریعت را امری متصل و یکپارچه و چونان اعضای یک پیکر هماهنگ در خدمت یکدیگر ببینیم، با فهم مقاصد شریعت بسیاری از گره‌های احکام گشوده می‌شود که این مهم گامی در جهت احیای فقهی فعال در عرصه حقوق خانواده است. در چارچوب این تفکر صرفا به خطابات شرعی، معانی جزیی و اکتفا نشده و فقط بر استنباط احکام شرعی از ادله اربعه تکیه نمی شود بلکه به جایگاه خطابات معانی کلی مقاصد و اهداف شریعت در نهاد خانواده توجه نموده و نظامی مقصدنگر و غایت‌گرا بنیان نهاده می‌شود که هم‌پا و همسوی روح دین حرکت نموده و گره بسیاری از مباحث را با توجه به نیازهای متحول زمان می‌گشاید مهم‌ترین نکته در چارچوب نگاه کلان به شریعت همین توجه به نتایج است که همواره اثر بخشی احکام صادره را می‌سنجد و با اهداف کلان شریعت در عرصه خانواده و مقتضیات جامعه ارتباطی دو سویه برقرار می‌کند شناخت مقاصد شریعت و توجه فقیه به آن در استنباط فهم وی از نصوص شریعت متفاوت خواهد بود. اگرچه مقاصد را در استنباط به کار نگرفته و فقط بدان توجه داشته باشد. شناخت مقاصد الشریعه افق ذهن فقیه را وسعت می‌بخشد بیشتر اصولیان متأخر موافقت و مخالفت با کتاب و سنت را به موافقت و مخالفت نصی تفسیر می‌کنند به این معنا که خبر را با یک آیه معین مقایسه می‌کنند. اما مراد از موافقت، موافقت روحی است. یعنی موافقت مضمون حدیث با اصول کلی اسلام که از کتاب و سنت فهمیده می‌شود و این همان چیزی است که علمای متأخر حدیث، نقد داخلی خبر می‌نامند، یعنی مقایسه مضمون آن با اصول کلی و اهداف اسلام، بنابراین بعید نیست مراد از کنارگذاری آنچه خلاف قرآن است. کنارگذاری دلیلی باشد که با روح عام قرآن مخالف است. یعنی دلیل ظنی‌ای که با طبیعت قانونگذاری و مزاج احکام آن هماهنگی ندارد. مقاصد شریعت می‌تواند به مجتهد یاری رساند تا از نصوص تفسیری ارائه دهد که مطابق با آرمان های کلی شارع باشد و فقیه را از جمود در امان نگه دارد به دیگر سخن، باید مجتهد در خود نصوص نیز به اجتهاد بپردازد و به الفاظ تکیه نکند. تحلیل مشروعیت شرط عدم طلاق نمونه‌ای از این تفسیر صحیح با استفاده از مقاصد شریعت است

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

با توجه به آنچه بیان گردید یکی از مقاصد شریعت استحکام بنیان خانواده است و شارع طلاق و آنچه این استحکام را کم کند نفی کرده و هرچه استحکام این نهاد را تقویت کند. تایید نموده است با تحلیل دیدگاه فقهای امامیه و توجه ویژه به روایاتی که در باب شرط عدم طلاق ذکر شده توجه به مقصد شارع تفسیر نویی از مجموع این روایات و نظرات ارائه می‌دهد آن اینکه شارع مخالفتی با شرط عدم طلاق ندارد مگر آنکه این شرط خلاف مقصد شارع به کار گرفته شود.

دو مقصد شریعت در طلاق

۱. استحکام بنیان خانواده

تحلیل مشروعیت شرط عدم طلاق نمونه‌ای از این تفسیر صحیح با استفاده از مقاصد شریعت است، با توجه به آنچه بیان گردید، یکی از مقاصد شریعت استحکام بنیان خانواده است و شارع طلاق و آنچه این استحکام را کم کند نفی کرده و هرچه استحکام این نهاد را تقویت کند، تأیید نموده است، با تحلیل دیدگاه فقهای امامیه و توجه ویژه به روایاتی که درباب شرط عدم طلاق ذکر شده توجه به مقصد شارع تفسیر نویی از مجموع این روایات و نظرات ارائه می‌دهد آن اینکه شارع مخالفتی با شرط عدم طلاق ندارد مگر آنکه این شرط خلاف مقصد شارع به کار گرفته شود (شوشتری و نجفیان، ۱۳۹۷: ۲۰۴).

۲. اجتناب از طلاق

توجه به مضامین روایات نشان می‌دهد طلاق در نزد خداوند مبغوض و نکوهیده است. اگر نبود ادله اباحه طلاق، از برخی از این روایات حتی حرمت طالق هم استفاده می‌شد. به هر حال آنچه که از روح این روایات به ذهن متبادر می‌شود ممانعت و مخالفت با طلاق است. به عبارت دیگر تا جایی که امکان دارد نباید طلاق جاری شود. طلاق به‌عنوان آخرین راه حل، مدنظر خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: پیامبر (ص) فرموده است هیچ چیز نزد خدا محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که با ازدواج آباد می‌شود و هیچ چیز مبغوض‌تر از خانه‌ای نیست که با طلاق خراب می‌شود و آنگاه امام صادق فرمود: اینکه اینقدر خداوند در مورد طلاق تأکید کرده و مکرر از آن سخن گفته به خاطر این است که جدایی را دشمن

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

می‌دارد (حر عاملی، ۱۴۰۸: ۶۹). در روایت دیگری پیامبر گرامی فرمود: «ازدواج کنید ولی طلاق ندهید؛ زیرا با طلاق عرش خدا می‌لرزد» (حر عاملی، ۱۴۰۸: ۶۹). توجه به مضامین این روایات نشان می‌دهد طلاق در نزد خداوند مبغوض و نکوهیده است اگردلایلی مبنی بر حلال بودن طلاق نبود از برخی از این روایات حتی حرمت طلاق هم برداشت می‌شد. به هر حال آنچه که از روح این روایات به ذهن متبادر می‌شود ممانعت و مخالفت با طلاق است (شوشتری و نجفیان، ۱۳۹۷: ۲۰۶). به عبارت دیگر تا جایی که امکان دارد نباید طلاق جاری شود. طلاق به‌عنوان آخرین راه‌حل مد نظر خداوند متعال و اهل بیت می‌باشد و زمانی طلاق جواز داده می‌شود که همسران به اجبار دست به طلاق می‌زنند.

مذاق شارع در طلاق

مذاق شارع به سمت وسوی شارع در تدوین احکام است به نوعی به هدف اصلی شریعت یعنی پرستش خداوند وداشتن زندگی پاک برمی‌گردد و این مذاق در همه احکام جاری است.

از نظر برخی فقهای امامیه، مطالعه و بررسی مذاق الشریعه می‌تواند در شناخت و تحلیل حکم مسائل مستحدثه و نو پدید مؤثر باشد. درواقع، پرده گرفتن از جوانب ارتباط میان عناصراسلام به مثابه شریعت متعادل و به هم پیوسته‌ای که در پی ساماندهی رفتار انسانی است؛ زیرا از خاستگاه به هم پیوست‌های چون فطرت آدمی سرچشمه گرفته است. فطرت انسانی حقیقتی است که در وجود، عامل پیوند تمامی رفتارهای او و از سوی دیگر هماهنگ با هستی متعادل و به هم پیوسته‌ای است که به تعبیر قرآن‌کریم در آیات متعدد، همه چیز در آن موزون در جای خود و دارای جایگاه مخصوص خویش است. براساس همین بینش است که اسلام دین فطرت است (طباطبایی،۱۳۹۰:۱/۴۵). علاوه بر این، مذاق شریعت در فهم صحیح نصوص در فقه تأثیرگذار است. شناخت مقاصد شریعت و توجه فقیه به آن در استنباط، سبب تفاوت فهم وی از نصوص شریعت می‌شود، اگرچه مقاصد را در استنباط به کار نگرفته و فقط بدان توجه داشته باشد. مقاصد شریعت می‌تواند مجتهد را یاری کند تا از نصوص، تفسیری به دست دهد که مطابق با آرمان‌های کلی شارع باشد و فقیه را از جمود در امان نگه دارد. به دیگرسخن، باید مجتهد در خود نصوص نیز اجتهاد کند و به الفاظ تکیه نکند (حسینی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۳).

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

در زمینه ازدواج و طلاق ،آنچه از برخی روایات و «مذاق شرع» مقدس به دست می‌آید، این است که حرمت نکاح و آمیزش تابع نسبت‌های عرفی و نه نسبت‌های شرعی است. کافی است به روایاتی که ازدواج فرزندان آدم با خواهران خود را غیرقابل قبول معرفی می‌کنند، نظری بیندازید تا دریابید که حرمت نکاح از احکام انسانی است نه احکام تعبدی شریعت (حکیم، ۱۴۰۴:۱۴/۲۵۹). محقق خویی نیز در این مسأله با گرایش به نظر مورد قبول سیدمحسن حکیم، ازدواج همزمان با دو خواهری را که حداقل یکی از آنها از راه زنا به دنیا آمده باشد، غیرمجاز می‌داند، ولی اضافه می‌کند: روایاتی که فرزند بودن زنازادگان را نفی کرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۴:۲۶/۲۷۵-۲۷۴)، مربوط به مقام شک بوده و فقط درصدد بیان یک حکم ظاهری‌اند و به مواردی که در آنها زنازاده بودن فرزند معلوم باشد هیچ ارتباطی ندارند. بنابراین، دلیلی وجود ندارد که فرزند بودن زنازاده را نفی بکند (خویی، بی‌تا، ۴۳۷/۱).

از «مذاق شارع» درمی‌یابیم که وظیفه‌ای که شارع از زنان انتظار دارد، خود مصون‌سازی از راه پرده‌نشینی و اشتغال به خانه‌داری و پرهیز از کلیهٔ اشتغالاتی است که با مصونیت و خانه‌داری منافات داشته باشند. از سوی دیگر، هرگز شارع راضی نمی‌شود که زنان در معرض چنین اموری قرار بگیرند. اصلاً شارعی که امامت زن برای جماعت مردان را در نماز نپذیرفته است، چگونه ممکن است به ادارهٔ امور مذهبی مردان، شئون اجتماعی و رهبری آنان به وسیلهٔ یک زن راضی شود؟ با همین ارتکاز قطعی که در ذهن متشرعین وجود دارد [منظور همان مذاق است]، اطلاق ادلهٔ مرجعیت مورد تقیید و سیرهٔ عقلایی که در رجوع جاهل به زن یا مرد عالم وجود دارد، مورد ردع قرار می‌گیرد (غروی تبریزی، بی‌تا، ۱/ ۲۲۶).

از مذاق شارع به دست آورده‌ایم که وظیفهٔ شایستهٔ زنان حجاب و پوشش و تصدی امور خانه و عدم مداخله در اموری است که منافی با آن باشد و روشن است که تصدی به افتا به حسب عادت خود را در معرض رجوع و سؤال قرار دادن است، زیرا اینها اقتضای ریاست مسلمین است. حال آنکه شارع به اینکه زن، خود را در معرض این امور قرار دهد، راضی نیست (غروی تبریزی، بی تا،۱/ ۱۸۷)

چهار مذاق شارع در طلاق

در تاریخ فقه اسلامی مشاهده می‌شود پس از مرحوم نراقی، موارد استناد به مذاق شرع در آثار غالب فقهای شیعه به رویه‌ای معمول تبدیل می‌گردد که در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

۱. یکی از شرایط طلاق دهنده، بلوغ است و طلاق غیر بالغ نافذ نیست، حال؛ در آنجا که صبی با فساد عقل به بلوغ می‌رسد، برخی حق طلاق را برای ولی وی ثابت دانسته‌اند و گروهی خیر. دسته دوم در اثبات نظر خویش به اجماع تمسک کرده‌اند که صاحب جواهر این امر را دور از مذاق شرع و بالضرورة منافی مصلحت زوج و زوجه می‌دانند، زیرا برای مدت نامعلومی باید منتظر ماند تا زوج افاقه یابد (نجفی، ۱۴۰۴: ۶/۳۲).

۲. رخصت داشتن زوجه برای زیارت مشاهد مشرفه، ازجمله اموری است که لزوم آن از مذاق شرع دانسته می‌شود، به عبارتی؛ از مذاق شارع دانسته می‌شود، زیارت مشاهد مشرفه برای زوجه از جمله امور لازمه‌ای است که در آنها برای خروج از منزل نیازی به اذن زوج نیست.

۳. از فقهای گذشته، شیخ مفید در کتاب مقنعه می‌گوید: «حاکم نمی‌تواند شوهر را اجبار به طلاق و جدایی نماید مگر اینکه شوهر حق واجبی از حقوق نکاح را نسبت به زن ایفاء ننماید» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۵۱۹). مفهوم مخالف این عبارت این است که اگر شوهر برخی از حقوق واجبه زن را ایفاء ننماید دادگاه می‌تواند او را مجبور به دادن طلاق نماید. در بین فقهاء متأخر و معاصر، شیخ انصاری در ملحقات مکاسب و میرزای قمی در جامع‌الشتات و مرحوم سید محمد کاظم یزدی در ملحقات عروة الوثقی نسبت به امکان مراجعه زن به دادگاه در صورت اذیت و آزار زوج و یا افتادن در عسر و حرج با ادامه وضعیت زناشویی و الزام شوهر به طلاق توسط دادگاه، اظهار نظر نموده‌اند (مهرپور، ۱۳۹۵: ۲۴۰).

در این بین نظر مرحوم سید کاظم یزدی که به‌طورکلی برای زن این حق را شناخته است که حتی در غیر مورد ترک انفاق، اگر بقاء زوجیت برای زن موجب ضرر و حرج باشد می‌تواند از دادگاه درخواست جدایی کند و دادگاه می‌تواند مآلا حکم جدایی را صادر نماید» نگرش جدید در توجه به حقوق زن و تا حدی جبران محرومیت او از داشتن اختیار طلاق و فسخ همانند مرد به شمار می‌آید و مبدء تحولی محسوب می‌گردد. سید پس از بیان صور مختلف مربوط به غایب بودن شوهر یا محبوس بودن او و روایات مربوط به ترک انفاق و اجبار شوهر به طلاق در صورت ندادن نفقه می‌گوید: «... از این روایات استفاده می‌شود که در صورت ندادن نفقه، شوهر، اجبار به طلاق می‌گردد، بنابراین به طریق اولی، در صورتی که بقای زوجیت، موجب وقوع زن در معصیت و حرام باشد، باید حاکم شرع، اختیار طلاق او را داشته باشد ...» (مهرپور، ۱۳۹۵: ۲۴۳).

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

۴. صاحب جواهر در بیان فرعی فقهی این سؤال را مطرح می‌کند که آیا ولی طفل حق طلاق همسر نابالغ طفلش را دارد یا نه؟ گفته شده ولی طفل چنین حقی ندارد مگر اینکه وقتی طفل به سن بلوغ می‌رسد فاسدالعقل باشد. در این صورت به جهت مصلحت می‌تواند وی را طلاق دهد. ایشان یکی از وجوه این حکم را مذاق شارع می‌دانند.

بنابراین مذاق شریعت بر این مبنا قرار گرفته است که زوجین در شرایط خاصی بهتر است طلاق بگیرند به‌عنوان مثال ازدواج وطلاق افراد نابالغ مشروع نیست چون با مذاق شارع سازگار نیست. به نظر می‌رسد با الهام از همین نوع نظریات روشن‌بینانه فقهی، تدوین‌کنندگان اولیه قانون مدنی که نتوانستند دامنه اختیارات زن را در اعمال فسخ گسترش دهند برای اینکه تا حدی این نابرابری را جبران کنند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت، اسلام به‌عنوان دینی جامع، علاوه بر بیان احکام ثابت، به بیان احکام متغیر نیز پرداخته و مصالح و مفاسد مادی و معنوی متغیّر را مورد توجه قرار داده است و مصالح عمومی را در راستای اهداف و مقاصد دینی دنبال می‌کند. از طرف دیگر طلاق یکی از مهمترین احکام اسلامی است که شارع براساس اهداف و مصالح شریعت دستور تجویز طلاق را صادر کرده است. با توجه به گسترش طلاق در جامعه، حکومت می‌تواند در پرتو مصلحت بسیاری از مشکلات خانوادگی را که در حوزه فقه مطرح است، حل نموده و قانون مناسب وضع نماید. از آنجایی که در زمینه مسائل مرتبط با طلاق مانند مهریه، نفقه، جهیزیه و اختیار طلاق مشکلات زیادی وجود دارد این امر با تطبیق مذاق و اهداف شارع با شرایط اجتماعی امروزی امکان‌پذیر است.

نتیجه‌گیری

با وجود گستردگی استناد به مذاق شریعت، این نهاد به صورت مستقل کمتر مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. گاهی آنچه فقیه را به مذاق شارع می‌رساند، رویه‌ای است که قانونگذار در قانونگذاری خود از آن پیروی کرده است؛ روش به کار رفته از سوی شارع اقدس در بیان شریعت نیز می‌تواند مذاقی را ارائه دهد که کاشف از فهم حکمی خاص از ادله باشد. مذاق و مقصد شریعت در احکام مربوط به طلاق بر این مبنا قرار گرفته است که طلاق اگرچه حلال است ولی به‌عنوان امر مبغوض شناخته شده است توجه به روایات نشان می‌دهد طلاق در نزد خداوند مبغوض و نکوهیده است. لذا، تا جایی که امکان دارد نباید

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

طلاق جاری شود. در واقع اصل بر استمرار خانواده و زندگی زناشویی است تا جایی که به زوجین یا فرزندان آسیبی وارد نشود. در این زمینه مذاق شریعت، به سمت وسوی طلاق نیست و تا جایی که امکان دارد تداوم زندگی زناشویی را توصیه کرده است مگر در شرایط وجود آسیب و زیان که در این صورت طلاق را جایز می‌داند.

از دیدگاه شارع طلاق به‌عنوان آخرین راه‌حل برای مشکلات زناشویی مطرح است. ازدواج ریشه در فطرت انسان دارد، جدایی نیز فطری است. بنابراین در زمان بروز مشکلات خانوادگی، اولین گام سازش بین زوجین است چون مذاق شریعت با سازش وتفاهم سازگار است و در گام دوم ودر صورت به نتیجه نرسیدن سازش بین طرفین، مسأله طلاق مطرح می‌شود در رویه قانونی وقضایی نیز به همین منوال، ابتدا زوجین متقاضی طلاق برای سازش دعوت می‌شوند و در صورتی که امکان سازش وداوری بین آنها نبود طلاق جایز است چون مذاق شریعت اسلامی بر نهی مطلق طلاق و یا جواز مطلق نیست بلکه در درجه اول ادامه زندگی زناشویی و در صورت به نتیجه نرسیدن، جدایی و پایان بخشیدن به زندگی زناشویی است.

اهداف احکام شرعی در زمینه طلاق، پیشگیری از طلاق و دعوت به سازش زوجین است. در عین حال در مواردی که امکان ادامه زندگی وجودندارد طلاق جایز شمرده شده است از دیدگاه شارع طلاق به‌عنوان آخرین راه‌حل برای مشکلات زناشویی مطرح است. طلاق از دیدگاه اسلام بسیار ناپسند است. این کراهت را از بین آیه‌های قرآن و برخی از سخنان معصومین می‌توان مشاهده نمود. از دیدگاه اسلام طلاق باید به عنوان آخرین راه حل است نه نخستین و ساده‌ترین راه برای پایان بخشیدن به زندگی زناشویی. در ارتباط با این پدیده طبیعی می‌توان از این اصل کلی آغاز کرد که همان‌گونه که ازدواج ریشه در فطرت انسان دارد، جدایی نیز فطری است. بنابراین در زمان بروز مشکلات خانوادگی، اولین گام سازش بین زوجین است چون مذاق شریعت با سازش و تفاهم سازگار است و در گام دوم و در صورت به نتیجه نرسیدن سازش بین طرفین، مسأله طلاق مطرح می‌شود در رویه قانونی و قضایی نیز به همی منوال، ابتدا زوجین متقاضی طلاق برای سازش دعوت می‌شوند و در صورتی که امکان سازش و داوری بین آنها نبود طلاق جایز است چون مذاق شریعت اسلامی بر نهی مطلق طلاق ویا جواز مطلق نیست بلکه دردرجه اول ادامه زندگی زناشویی و در صورت به نتیجه نرسیدن، جدایی و پایان بخشیدن به زندگی زناشویی است.

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

منابع فارسی

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم
- بای، حسینعلی. (۱۳۹۴). *فلسفهٔ فقه*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۱۴). *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل للشریعة*. جلد بیست و ششم، چاپ دوم، قم: مؤسسهٔ آل البیت لاحیاء التراث.
- حر عاملی محمد بن الحسن. (۱۴۱۴). *وسائل الشیعه*. جلد بیت و یکم، انتشارات مؤسسهٔ آل البیت علیهم السلام.
- حکیم، محمدتقی. (۱۳۷۶). *الاصول الفقه العامه للفقه المقارن المجمع العالمی لاهل البیت (ع)*. جلد اول.
- خویی، محمدتقی. (بی‌تا). *مبانی العروة الوثقی، کتاب النکاح (تقریرات درس سیدابوالقاسم خویی)*. منشورات دارالعلم.
- شاطبی، محمد بن ابرهیم بن موسی. (بی‌تا). *الموافقات*. مکتبة التجاریة الکبری، مصر.
- شیرازی، ناصر مکارم. (۱۴۲۷). *دائرة المعارف فقه مقارن*. قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
- صانعی، یوسف. (۱۳۸۶). *وجوب طلاق خلع بر مرد*. تدوین: مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین، چاپ اول، قم: انتشارات میثم تمار.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله. (۱۳۸۴). *مختصر حقوق خانواده*. تهران: انتشارات میزان.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰). *تفسیر المیزان*. جلد اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- غروی، میرزاعلی، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی (تقریرات درس سیدابوالقاسم خویی)*. چاپ دوم، قم: مؤسسهٔ آل البیت للطباعة و النشر، [بی‌تا].
- گلپایگانی، محمدرضا. (۱۴۱۳). *کتاب القضاء*، قم. دارالقرآن الکریم.
- قرضاوی، یوسف. (۱۴۰۹). *الحلال و الحرام فی الاسلام، با تعلیقات شیخ حسن محمدتقی جواهری*. چاپ اول، قم: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۰۱). *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، محقق، بکری حیانی، صفوه السقا. بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ پنجم.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۲). *بررسی فقهی حقوق خانواده ـ نکاح و انحلال آن*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات علوم اسلامی.

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۷). *مقاصد الشریعة و علل الشرایع*. برگرفته از دائرة المعارف فقه مقارن.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۰). *جواهر الکلام*. چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

ب) مقالات

- حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۵). «مذاق شریعت، فقه و حقوق»، *فقه جزای تطبیقی*، دوره سوم، شماره نهم.
- حسینی نسب، مرتضی؛ قیوم‌زاده، محمود و گل‌خندان، سمیرا. (۱۴۰۱). «مذاق شریعت در فقه امامیه و کارکرد آن در فقه و حقوق کیفری»، *فقه جزای تطبیقی*، دوره سوم، شماره سوم.
- حیدری‌نیا، علی و شکاری، فاطمه. (۱۳۹۵). «بررسی طلاق در مذاهب و ادیان الهی». *نخستین کنفرانس بین المللی و دومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی*، شیراز.
- رهبر، مهدی. (۱۳۸۸). «مقایسه جایگاه مصلحت در فقه امامیه واهل سنت». *مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)*، شماره هفدهم.
- سادات اسدی، لیلا (۱۳۸۳). «نقد قانون و رویه قضایی در اجرای طلاق». *مطالعات راهبردی زنان*، شماره بیست‌وششم.
- شارون، شن هاو. (۱۳۹۹). «قوانین دین، حقوق خانواده و حقوق بشر زنان». *حقوق بشر*، دوره پانزدهم، شماره اول.
شوشتری، مهدی و نجفیان، امین. (۱۳۹۵). «تحلیل مشروعیت شرط عدم طلاق با نگاه به مقاصد شریعت در حوزه خانواده»، *فصلنامه زن و جامعه*، سال نهم، شماره دوم.
- صفائی، اصغر؛ سلیمی، علیرضا؛ ناظمی و اشنی، محمدحسین. (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی وکالت طلاق به زوجه در حقوق ایران و فرانسه». *فصلنامه زن و جامعه، دوره دوازدهم*، شماره چهل و هفت.
- عابدی، محمد و امینی، اعظم. (۱۴۰۰). «حق طلاق زنان: حکم شرعی، ضرورت حقوق بشری». *دو فصلنامهٔ حقوق بشر*، سال شانزده، شمارهٔ اول.
- علوی، قزوینی. (۱۳۸۸). بررسی نظریه طلاق حاکم و ماهیت حقوقی آن. *فصلنامه نامه مفید*، شماره یازدهم.
-گرامی‌پور، مهدی. (۱۳۹۱). «جایگاه سندی مقاصد الشریعهٔ در فقه مذاهب اسلامی»، *حوزه*، دوره اول، شماره سوم.
- نقیبی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۶).«پژوهش‌های دینی». *مجله پژوهش‌های فقهی*، دوره سیزدهم، شماره سوم.

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]

- هدایت‌نیا، فرج‌الله. (۱۳۹۴). «تسهیل طلاق یا طلاق‌زدایی در حقوق خانواده ایران». *حقوق اسلامی*، سال دوازدهم، شماره چهارم.

ج) پایان‌نامه‌ها

- ظهوریان احمدی، مریم. (۱۳۹۴). *راهکارهای فقهی کاهش طلاق*. به راهنمایی دکتر عبداله امیدی فرد، قم، دانشگاه قم.
- عبدلی، منیره. (۱۳۹۶). *بررسی احکام، ماهیت وآثار طلاق به عوض از منظر فقه امامیه، عامه و حقوق ایران*. به راهنمایی دکتر سعید مولوی، شهرکرد، دانشگاه شهر کرد.
- مرتضوی، عبدالصمد. (۱۳۹۷). *تأثیر اراده در وقوع طلاق در فقه اسلامی*. به راهنمایی دکتر محمد عادل ضیائی، زاهدان، دانشگاه مذاهب اسلامی.
- مژده، معصومه. (۱۳۹۸). *چرایی حق طلاق مردان در اسلام*. به راهنمایی دکتر عباسعلی بهاری اردشیری، مازندران، دانشگاه ادیب.
- مظفر قراملکی، جواد. (۱۳۹۳). *تطبیق آراء فقهای امامیه و اهل سنت در امکان کشف مقاصد شریعت و طرق آن*. به راهنمایی دکتر محمدحسن شیبانی‌فر، تهران، دانشگاه پیام نور.
- معیرمحمدی، محمدعلی. (۱۳۹۳). *بررسی تحلیلی فتاوای فقها در طلاق واجب*. به راهنمایی دکتر سید علی پور منوچهری، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

[Downloaded from philosophylawjournal.ir on 2026-11-01]